



مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره شانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۰ (پیاپی ۳۲)
(ویژه‌نامه علوم اجتماعی)

عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه:
مطالعه موردی شهر شیراز

دکتر عبدالعلی لهسایی زاده*
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ذهنی بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه شهر شیراز می‌باشد. پس از بررسی تحقیقات داخلی و خارجی و مروری بر نظریه‌های فمینیستی، کارگردگرایی و کنش متقابل نمادی، یک چارچوب نظری تلفیقی با استفاده از نظریه کالینز برپا گردیده که بر پایه آن یک مدل تجربی، شامل تأثیر ۱۲ متغیر مستقل بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه، به دست آمد. روش تحقیق در این مقاله، پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه، مردان ۱۸ سال به بالای ساکن در خانوارهای شیراز اعم از متأهلین و مجردین است که یک نمونه ۷۰۰ مردی، از ۷۰۰ خانوار بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در این تحقیق ۱۲ فرضیه از الگوی پژوهش در نظر گرفته شده که با استفاده از آمار استنباطی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته عبارتند از: بین منزلت شغلی و نگرش مردان رابطه معنی‌دار است، بین طبقه اجتماعی و نگرش نیز رابطه معنی‌دار می‌باشد؛ مردان با تحصیلات بالا نسبت به نقش زنان در جامعه نگرش مثبت‌تری دارند، تفاوت تحصیل مردان با زنان، دو عامل ذهنی انتظار فساید و ارزیابی فایده، دارای رابطه معنی‌داری با نگرش مردان می‌باشند؛ همچنین کسانی که دارای مشاغل بالاتری می‌باشند، دارای نگرش مثبت‌تری نیز هستند؛ بالاخره اینکه بین سن،

تفاوت سنی، درآمد، تفاوت منزلت شغلی، وضعیت تاهل و بعد خانوار پاسخگو
با نگرش وی نسبت به نقش زنان در جامعه، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: ۱- نگرش مردان ۲- نقش زنان ۳- ارزیابی فایده ۴- انتظار فایده
۵- سن ۶- بعد خانوار ۷- وضعیت تاهل ۸- منزلت شغلی ۹- تحصیلات ۱۰- طبقه اجتماعی
۱۱- درآمد.

۱. مقدمه

توسعه و پیشرفت هر کشوری به عوامل مختلف، از جمله اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بستگی دارد. بطور کلی نیروی کارآمد انسانی یکی از عوامل مهم و اساسی برنامه های توسعه به شمار می‌آید که بدون آن، امکان توسعه مشکل به نظر می‌آید. با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت هر کشوری را به خود اختصاص می‌دهند، حضور یا عدم حضورشان در مؤسسات جامعه بر امکان استفاده مؤثر از تمامی ظرفیت بالقوه کشور تأثیر می‌گذارد.

هر گونه مطالعه‌ای بر روی وضعیت زنان، مستلزم آن است که موقعیت آنها در زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی تأثیرگذار بر روی روابط اجتماعی که زمینه های فعالیت زنان را میسر می‌سازند اساسی بنظر می‌رسند.

یکی از عوامل مؤثر بر حضور زنان در موقعیت‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی، نگرش مردان نسبت به نقشهایی است که زنان در جامعه می‌توانند ایفا کنند. از طرف دیگر نگرش مردان خود تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی است که می‌توان آن را تحت عنوان پایگاه اجتماعی اقتصادی آنان مورد بررسی قرار داد. پایگاه اجتماعی - اقتصادی یکی از عوامل بسیار مؤثر بر نگرش مردان است که از طریق فرایند جامعه پذیری اعمال نفوذ می‌کند. در فرایند جامعه پذیری، الگوهای رفتاری متفاوتی به مردان و زنان اختصاص می‌یابد و مردان و زنان از کودکی این الگوها را درونی کرده و با آن رشد می‌یابند. پس بر این اساس جامعه به تقسیم بندی و تقسیم نقش‌ها می‌پردازد که در آن برخی نقش‌ها مختص مردان و برخی به زنان تعلق دارد، لذا مطالعه دیدگاه مردان و عوامل مؤثر بر آن در ارتباط با نقش‌های زنان در جامعه ضروری و لازم می‌نماید.

هدف این مقاله، مطالعه بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ذهنی مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان است. در این مورد تلاش در جهت شناسایی طرز تفکر مردان و باور آنان نسبت به نقش زنان بطور کلی می‌باشد.

۲. مروری بر آثار دیگران

در بررسی مطالعات و تحقیقات مختلفی که در مورد عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان صورت گرفته، به این نکته وقوف پیدا کرده‌ایم که تعدادی از مطالعات توسط محققان داخلی و تعدادی توسط پژوهشگران خارجی انجام گرفته است که در زیر به برخی از مطالعات مهم اشاره می‌شود.

در تحقیقی تحت عنوان "تحلیل رابطه بین درآمد شوهر، اندازه خانوار و اشتغال زن در مراحل اولیه ازدواج" که توسط فیلیس اور و دیگران صورت گرفته، تأثیرات درآمد شوهر، تحصیل زن، سن در هنگام ازدواج، اندازه خانوار در مراحل متفاوت زمانی و اشتغال زودرس زنان، بر اندازه اشتغال زن در فاصله‌های زمانی بعدی آشکار شده است. این تحقیق بیان می‌کند که تغییر درآمد شوهر، ارتباط منفی معنی‌داری با احتمال اینکه زن مشغول به کار شود، دارد. این تحقیق برخی از مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی - اقتصادی و عوامل فرهنگی را در مورد شوهر بیان می‌کند و تأثیر آن به‌مراه سطح تحصیلات زن مورد بررسی قرار می‌گیرد که قابل ملاحظه است (اور و همکاران، ۱۹۷۹).

در تحقیق دیگری با نام "بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن بر خانواده‌های اطراف تهران"، حسین مشهور با همکاری پوران مشهور، از ساکنین ۱۵ روستای اطراف تهران مکان اشتغال زن را مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از نتایج به دست آمده بدین صورت است که اکثریت زنان یا ۷۸ درصد آنها علاقه‌مند هستند که در خانه کار کنند، ۱۲ درصد در خارج از خانه و تعدادی نیز اظهار داشته‌اند که مکان اشتغال برایشان اهمیتی ندارد. عقیده شوهرانشان نیز بسیار نزدیک به عقیده آنها می‌باشد. ۷۴ درصد از آنان با کار کردن زن در خانه موافق هستند و ۱۴ درصد با کار زن در خارج از خانه، موافق بوده‌اند. این نتایج بطور ضمنی نظر مردان و زنان نسبت به اشتغال و موافقت آنان با اشتغال را بیان می‌کند، اما اشتغالی که در داخل خانه باشد (مشهور، ۱۳۵۵).

تحقیقی دیگر با نام "اشتغال زنان، رفتارهای خانوار و نگرش‌های جنس" توسط گلنا اسپیتز و جوان هابر بر روی یک نمونه ۱۳۶۴ نفری، در دسامبر ۱۹۷۸ انجام گرفته است. نتایج مهم تحقیق آنها این است که: اولاً، دلبستگی شغلی، پایگاه شغلی و درآمد زنان بر روی ادراکات تصمیم‌گیری مردان اثر می‌گذارد و بر تصمیم‌گیری زنان، تأثیری ندارد. دوم، درک هر یک از زوجین از تقسیم کار خانوار بیشتر از پایگاه شغلی اشتغال زنان تأثیر می‌پذیرد تا از دلبستگی شغلی یا درآمدشان. سوم، نگرش‌های بسیار نزدیک و مرتبط با اشتغال زنان نسبت به آن حساس هستند (اسپیتز و هابر، ۱۹۸۱).

در تحقیق دیگری با نام "اشتغال زنان: نقش نگرش‌های ادراکی شوهران" که توسط گلنا اسپیتز و لیندا وایت در دانشگاه الیزپول در اوریانا انجام گرفته است، داده‌های یک مطالعه

طولی ملی از تجارب بازار کار زنان جوان استفاده گردیده است. در این تحقیق روابط بین نگرشهای ادراکی شوهران نسبت به کار زنانشان و نگرشهای اشتغال اولیه و رفتار زنان مورد بررسی قرار گرفته است. تجدید نظرهایی در نگرشهای ادراکی شوهران، برای مطابقت با نگرشهای اشتغال و رفتار زنان یافت شده است. از سوی دیگر رفتار اشتغالی زنان، تحت تأثیر ترجیحات ادراکی مردان می‌باشد. اما فقط میان پاسخگویان سپاه پوست، نگرشهای زنان تحت تأثیر نگرشهای ادراکی شوهران بوده است (اسپیتز و وایت، ۱۹۸۱).

در مطالعه دیگری با نام " پژوهشی پیرامون اشتغال زنان " که توسط ساروخانی با تکیه بر نگرشها در تهران صورت گرفته است به طرح نظرات موافق و مخالف زنان شاغل و غیر شاغل در شهر تهران پرداخته است. نمونه تحقیق ۱۰۲۰ نفر بوده است. در این مطالعه در مورد کار کردن یا نکردن زنان در خارج از خانه پرسش به عمل آمده است. از کل جمعیت مورد مطالعه کسانی که بطور مشروط موافق بوده‌اند (چه در بین جمعیت شاغلین و چه در بین خانه داران) تا حد زیادی بهم نزدیک است. اما درصد فراوانی مطلق مخالفین در بین خانه داران، بمراتب بیش از شاغلین بوده و درصد فراوانی مطلق موافقین در بین شاغلین، بمراتب بسیار بیش از مخالفین بوده است. در هر حال این تحقیق تنها استدلالات مختلف در مورد نگرش زنان نسبت به اشتغال زنان را جویا شده و به پیشینه اجتماعی - اقتصادی آنان توجهی ندارد (ساروخانی، ۱۳۷۰).

یوسف باور، در سال ۱۳۷۳ با استفاده از نمونه ۵۷۵ نفری از دانشجویان، به مطالعه تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان پرداخته است. در تجزیه و تحلیل دو متغیره، متغیرهای جنس، میزان تحصیلات پدر و مادر، منزلت شغل پدر، محل سکونت والدین، محل سکونت فرد قبل از دیپلم و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، رابطه معناداری با متغیر وابسته داشته‌اند. در تجزیه و تحلیل چند متغیره، متغیرهای جنس، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل، رابطه معنی‌داری نشان داده‌اند. متغیر جنس در هر دو نوع تجزیه و تحلیل، بالاترین همبستگی را با متغیر وابسته داشته است. به این ترتیب نگرش زنان نسبت به فعالیت سیاسی زنان در مقایسه با مردان مثبت تر بوده است. همچنین بین متغیرهای تحصیلات پدر و مادر، منزلت شغل پدر، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با نگرش دانشجویان، رابطه معنی‌دار مثبتی وجود دارد. براساس متغیرهای محل سکونت والدین و محل سکونت فرد قبل از دیپلم، نگرش دانشجویانی که والدینشان و نیز خودشان قبل از دیپلم در مناطق شهری ساکن بوده‌اند، در مقایسه با افرادی که در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند، مثبت تر بوده است. همچنین دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و متأهل، نگرش منفی‌تری نسبت به فعالیت سیاسی زنان داشته‌اند (باور، ۱۳۷۳).

در مطالعه دیگری که توسط عنایت الله یزدانی انجام گرفته، وی معتقد است که در ایران سابقه تغییر نگرش به وضعیت سنتی زنان به اواخر قرن نوزدهم و بخصوص انقلاب مشروطیت برمی‌گردد. متأسفانه تا آن دوران، فرهنگ مرد سالاری حاکم بر جامعه سنتی ایران دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به زنان داشت و مجال فعالیت و نگرش اجتماعی را به آنان نمی‌داد. نویسندگان رویکردهایی چون تقید به سنتها و آداب و رسوم جامعه مردسالار، محدودیت فعالیت زنان به خانه داری و شوهرداری را از عوامل کارآمد در وضعیت سنتی و غیر سیاسی زنان در جامعه سنتی ایران معرفی می‌کند (یزدانی، ۱۳۷۵).

همچنین در مطالعه دیگری، محمد عفتی معتقد است که: از جمله موانع در زمینه مشارکت زنان در توسعه کشور، ازدواج زودرس است که این عامل، خود موجب باروری زیاد و افزایش تعداد بچه‌ها می‌شود و وظیفه نگهداری و مراقبت از آنها را نیز به همراه دارد که گاهی این امر موجب عدم مشارکت تعداد بسیاری از زنان شاغل بعد از ازدواج و بچه دار شدن می‌گردد. سنگینی وظایف مربوط به نگهداری و مواظبت از کودکان، همراه با انجام امور خانه داری و در عین حال پذیرفتن حرفه و شغلی بیرون از خانه، امری است که خود نوعی فشار و تبعیض در مشارکت زنان محسوب می‌گردد. به نظر عفتی در جوامعی از قبیل جوامع جهان سوم، معمولاً دختر بچه از کودکی درمی‌یابد که خانه داری، تربیت کودکان، یادگیری مهارت‌های خانگی از قبیل خیاطی، گلدوزی، آشپزی و بچه داری مهمترین مشاغل و وظایفی است که یک زن باید در وهله اول یاد بگیرد. اگر به این پیشداوری جامعه، نحوه تفکر و نگرش اقلیتی مقدس نما نیز اضافه شود، کار به جایی می‌رسد که بیرون آمدن زن از منزل و خانه نیز کاری شبه انگیز خواهد بود، گویی عفاف و پاکی زن آن است که محیط چهاردیواری خانه را به قصد تحصیل، فعالیت، مشارکت و حضور فعال در چرخه اقتصادی و اجتماعی جامعه ترک نکند (عفتی، ۱۳۷۳).

بیری و همکاران در تحقیق خود، به بررسی عوامل مؤثر در نگرش مردان نسبت به نقش زنان در لیبی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داده که متغیرهای سن، میزان تحصیلات، محل سکونت، نوع خانواده، پایگاه اجتماعی (برپایه درآمد) و اشتغال مادر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در اموری نظیر انتخاب همسر، نگرش، مشارکت در نیروی کار و ... مؤثر و دارای رابطه معنی‌دار بوده‌اند (بیری و همکاران، ۱۹۹۱).

۳. چارچوب نظری

در خصوص روابط بین دو جنس زن و مرد نظریه‌های مختلفی بیان شده و هر کدام از منظری به مطالعه این روابط پرداخته‌اند. همچنین در مورد مفهوم نگرش نیز نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. از آنجا که نگرش مردان تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و

همچنین جمعیتی می‌تواند باشد، در این مقاله به بررسی این عوامل در دیدگاه‌های مختلف پرداخته خواهد شد.

۳.۱. نظریه های فمینیستی

تمام فمینیست‌ها بر این باورند که باید فرودستی زنان را فهمید و زنان را آزاد کرد، اما در مورد دلایل این فرودستی یا چگونگی رسیدن به آزادی توافق ندارند. نظریه های فمینیستی لیبرالی یا اصلاح طلب، به بحث درباره حقوق برابر برای زنان - یعنی برخوردارشدن زنان از حقوق شهروندی همانند مردان - می پردازند. براساس نظر این گروه از طرفداران اندیشه فمینیستی، زنان انسانند و مانند مردان از حقوق طبیعی باید برخوردار باشند. حقوق زن به جنس او ارتباط ندارد، زنان از قابلیت تعقل کامل برخوردارند، و از این رو استحقاق تمامی حقوق انسانی را دارند. در جامعه‌شناسی فمینیست‌های لیبرال، این مسأله مورد توجه است که تفاوت‌های در خور توجه میان زنان و مردان ناشی از اجتماعی شدن و شرطی سازی نقش جنسی^۱ است و ذاتی آنها نمی‌باشد (ابوت و والاس، ۱۳۷۶).

در نظریه‌های فمینیستی رادیکال که در چارچوب نظریه مارکسیستی بسط داده شده اند، بر فرودستی و استثمار زنان در جوامع سرمایه داری تأکید شده است. آنها سعی در گسترش اندیشه مارکسیستی در حوزه زنان و توضیح عوامل و علل وجود کارگران بی مزد که شامل زنان می شود، می نمایند. در این نظریه اگرچه معتقدند که مبارزات بین دو جنس به مبارزه طبقاتی قابل تقلیل نیست، اما برای مبارزه طبقاتی اولویت قائل اند. در این دیدگاه، مشخصه جامعه معاصر سرمایه داری این است که زنان تابع شکل ویژه‌ای از ستم‌اند. این ستم نتیجه دو عامل است: اول، بازداشتن زنان از کار مزدی و دوم، نقش آنان در حوزه کار خانگی که روابط تولید را باز تولید می‌کند. بعبارت دیگر کار بی مزد و موجب زنان در مراقبت از نیروی کار و پرورش نسل بعدی، به سرمایه داری سود زیادی می‌رساند (همان).

بطور کلی، نکته اصلی نظریه‌های فمینیستی این است که موقعیت تابعی زنان در جامعه در خانه و خانواده به یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند.

۳.۲. نظریه کارکردگرایی

در دیدگاه کارکردگرایی، تحلیل اجتماعی و فرهنگی پدیده ها برحسب کارکردهایی که در نظام اجتماعی - فرهنگی انجام می دهند، صورت می گیرد. کارکردگرایی با خصیصه کلی ساختار اجتماعی و ماهیت عمومی نهادهای اجتماعی مرتبط است. در این دیدگاه تحلیلی بر سه عنصر تأکید می شود:

الف) ارتباط درونی کلی یا وابستگی درون بخشهای نظام.

ب) وجود حالت بهنجار امور، یا حالت تعادل.

ج (طریقی که همه بخشهای نظام، برای آوردن پدیده ها به حالت طبیعی، دوباره سازماندهی می‌شوند (والیس و ولف، ۱۹۹۱).

در این دیدگاه فرض بر این است که تقسیم کار بین دو جنس در همه جوامع، مورد تشویق است زیرا کارکرد مثبتی برای کل جامعه دارد (رابرتسون، ۱۳۷۲). در این دیدگاه خانواده سازمان اجتماعی است که از مجموعه روابط میان افراد تشکیل شده است. یکی از نظریه پردازان بنام این دیدگاه تالکوت پارسونز است. به نظر وی در جوامع صنعتی، نقش زن و مرد تفکیک شده است و این تفکیک از آغاز زندگی شروع می‌شود. به نظر وی دو کارکرد اصلی و بدون تحول در جامعه وجود دارد. اول اجتماعی کردن کودکان بنحوی که بتوانند اعضای واقعی جامعه ای که در آن به دنیا آمده‌اند، شوند و دوم تثبیت شخصیت بزرگسالان جامعه. برای پارسونز تجربیات روانشناسانه کودک در داخل خانواده، مشارکت بعدی او را در دنیای کار پایه‌گذاری می‌کند (میشل، ۱۳۷۲). وی معتقد است، نقشهای جنسی سنتی در جوامع صنعتی نوین نیز، دارای کارکرد است. خانواده نوین نیز به دو تن بزرگسال احتیاج دارد که در زمینه نقشهای خاص دارای تخصص باشند. نقش کلیدی که معمولاً بر عهده پدر است، به روابط خانواده با دنیای خارج معطوف است. اما نقش نمایشی^۲ که معمولاً به عهده مادر می‌باشد، به روابط درونی خانواده مربوط است، لذا مادر مسؤول ابراز محبت، حمایت عاطفی و مراقبت جسمانی که لازمه پیوستگی خانواده است، می‌باشد. با توجه به تفکیک این دو نقش بر حسب جنس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مرد باید مسلط و رقابت جو باشد و نقش زن مستلزم انفعال و پرورش دهنده‌گی است. در اینجا علی‌رغم نابرابری ناشی از تفکیک نقشها، کل جامعه از این تمایزات بهره مند می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۲).

۳.۳. نظریه کنش متقابل نمادی

دیدگاه کنش متقابل نمادی، رهیافت بخصوصی را برای مطالعه زندگی گروهی و رفتار فردی انسانها نشان می‌دهد. بعنوان یک چارچوب دو مسأله مهم و مورد توجه جامعه شناسان وجود دارد: اول اجتماعی شدن و دوم شخصیت. کنش متقابل بین انسان اجتماعی بواسطه استفاده از نمادها و تفسیر یا معین کردن معانی برای کنش های دیگران صورت می‌گیرد.

به نظر سینگلمن انسان در فرایند کنش متقابل نمادی، خودش^۳ را توسعه می‌دهد. زمانی که او با دیگرانی در موقعیتهای مشابه شناسایی می‌شود و خودش را با دیگران در موقعیت های متفاوت مقایسه می‌کند، قسمتی از خود او در ابعاد معنی‌دار ساختار اجتماعی مستقر شده است. بنابر این عقیده، خود آینه‌گون دارای یک منشأ اجتماعی است و با محیط وی در جنبه‌های مختلف ساختار اجتماعی تغییر می‌کند. در اینجا فرد و جامعه در یک فرایند دیالکتیک انتقال دوطرفه توسعه می‌یابند (سنگلمن، ۱۹۷۲).

در این دیدگاه مفاهیم اکتساب خود، اجرای نقش و نقش پذیری از مفاهیم محوری محسوب می‌شوند. از نظر جرج هربرت مید^۴ اجرای نقش مفهوم اصلی در توصیف رشد خود است و پذیرش کاملتر و پایاتر نقطه نظرهای بیرونی نسبت به خود که نقش پذیری خوانده می‌شود، به خود هویت می‌بخشد. مفهوم نقش پذیری با مفهوم دیگری تعمیم یافته^۵ پیوند خورده است. شاخه‌ای از دیدگاه کنش متقابل که خانواده را بعنوان یک سیستمی از نقشها مطالعه می‌کند، نظریه نقش^۶ می‌باشد. در این نظریه محققینی که به مطالعه مسائل می‌پردازند، می‌توانند مسائل را در دو سطح خرد و کلان مطالعه کنند. برای مثال می‌توان به تبیین این پدیده پرداخت که چگونه یک فرد در خانواده شکل ساز، فرد دیگری نسبتاً قدرتمندتر و حرف آخر را در تصمیم گیریها^۷ کلید زند و یا عضو دیگر در حل تضادها مؤثر می‌باشد (نوک، ۱۹۸۷). در همین راستا بورگس^۸ معتقد است که برای مطالعه خانواده می‌باید بر الگوهای کنش متقابل در داخل خانواده تأکید شود. وی به اهمیت تعاریف نقش که از کنش متقابل ناشی می‌شود و یک منبع راهنما در کنش متقابل می‌باشد، اشاره می‌کند و معتقد است که توانایی تشکیل تصورات اجتماعی^۹ بخش مهمی از طبیعت انسانی است. به همین جهت به عقیده وی مطالعه الگوهای روابط شخصی در زندگی خانوادگی، مستقیماً منجر به درک مفهوم خانواده بعنوان یک واحد افراد در حال کنش متقابل می‌گردد و منظور از افراد در حال کنش متقابل یک موجود زنده در حال رشد است که هیس آن را یک "ابر شخصیت"^{۱۰} نام می‌نهد. مطالعات زندگی خانوادگی نشان دهنده این است که مسائل حقیقی انسان‌ها بطور کلی در جهت تلاش برای شناخت ادراکات ما، از نقش های خودمان، ناشی می‌شود. بنابراین، انسان حقیقتاً در تصورات خود، خاطرات خود، رؤیاهای خود، توهمات خود و عقاید خود زندگی می‌کند (هیس، ۱۹۶۸).

از سوی دیگر اشلیمان معتقد است که مفهوم نقش هم در یک دیدگاه ساختی - کارکردی و هم در یک دیدگاه کنش متقابل، کاربرد دارد. یک مفهوم ساختاری یا سازمان یافته نقش به انتظارات اجتماعی برای موقعیت هایی که ما اشغال می‌کنیم، مرتبط می‌شود. موقعیتهایی همچون جنس یا سن انتسابی اند اما موقعیتهایی همچون شغل و موقعیت های والدینی (پدري، مادری) اکتسابی‌اند. و هر یک از این موقعیت های یاد شده دارای مجموعه ای از انتظارات و رفتارهای متناسب با آن را به همراه دارد. این انتظارات مفهوم نقش را تشکیل می‌دهند. بعقیده وی مفهوم نقش در کنش متقابل توسعه می‌یابد. در این دیدگاه مفهوم نقش در فرایندهای رفتار همکاری و ارتباط توصیف می‌شود. نقش بعنوان یک فرایند، شامل هر کنشگری که رفتار و عکس العمل هایش با چیزی که او فکر می‌کند و اشخاص دیگر انجام می‌دهند سازگار است، می‌باشد. بدین جهت اگر به رابطه زن - شوهر توجه نماییم، هنگامی که آنها با هم در حال تعامل هستند، انتظارات یا نقشها برای رفتار مناسب و تأیید شده، ممکن است بطوری وسیع از انتظارات مورد تأیید اجتماعی متفاوت باشد. مثلاً زن ممکن است کارهای مردانه‌ای مثل

رانندگی و یا پرداخت هزینه ها و مخارج زندگی را انجام دهد (اشلمان، ۱۹۸۸). لذا توصیف جامعه شناختی کنش متقابل خانواده که بدین ترتیب طبیعتاً بصورت امواجی از آرزوها، نگرشها، احساسات و عواطف می باشد، تعریف می شود. به عقیده پارک و برگس، تعریف شخص بعنوان فردی دارای پایگاه، موضوع کنش متقابل زناشویی را تا حد زیادی روشن ساخته است. اعضای خانواده با یکدیگر بصورت افراد، نسبت به یکدیگر واکنش نشان می دهند، هر شخصی کم و بیش، آگاهانه دارای درک و فهمی از نقش خود و دیگران در گروهها و در جامعه است (پارک و برگس، ۱۹۲۴).

۳.۴. چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق سعی شده است با یک چارچوب ترکیبی به بررسی نگرش مردان نسبت به نقش زنان پرداخته شود.

همانطور که پیشتر گفته شد، جامعه ما جامعه‌ای مرد سالار است که در آن مرد محور خانواده می باشد و در تصمیم گیریها و انتخابها مرد است که حرف آخر را می زند. خانواده حاصل کنش متقابل یک زن و مرد و ادامه زندگی مشترک با یکدیگر است که ارزشها و هنجارهای مختلف در جوامع گوناگون به آن شکل داده و حمایت می نماید. در طول تاریخ جوامع مختلف برای زن و مرد نقشهای متفاوتی در خانواده تعیین نموده اند و هویت زن و مردی را که ازدواج می نمایند، مشخص می کنند. این نقشها در یک فرایند اجتماعی شدن فرد، درونی می شوند. اجتماعی شدن فرایندی است که بوسیله آن فرد الگوهای رفتاری و هنجاری را که برای فرهنگش مناسب فرض شده است، می آموزد و می پذیرد (درسلر و ویلیز، ۱۹۷۶) در این فرایند ارزشها، هنجارها، نگرشهای مورد تأیید جامعه بتدریج به کودک آموخته می شود و با توجه به تدریجی و نامحسوس بودن آن و تداوم این عمل کودک بتدریج آنها را می پذیرد و جزئی از خزانه اطلاعات و ملکه ذهن وی می گردد.

تاریخ جوامع، حاکی از آن است که نظام پدر سالاری نظام مسلط در جوامع بشری بوده است و جوامع نادری تاکنون شناخته شده که در آن زنان قدرتمندتر از مردان باشند (گیدنز، ۱۳۷۳). معمولاً سلطه مرد را پدر سالاری می نامند (همان). در جامعه پدر سالاری تقسیم کار بطور سنتی بر تقسیم بندی جنسیتی مبتنی بوده است (همان). این نحوه تقسیم کار آشکارا بیان کننده نوعی نابرابری است. این شرایط سبب می شود تا مردان از پایگاه برتری نسبت به زنان برخوردار باشند. الگوهای موجود نقش جنسیت به مردان این اجازه را داده است که امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کنند. البته این مسأله بدان معنی نیست که مردان آگاهانه در جهت حفظ نابرابریهای حاکم در جامعه اقدام نمایند. بلکه بدین معنی است که اغلب گروه مسلط از شرایط موجود سود می برد و چندان علاقه ای نیز برای تغییر آن ندارد (بلیر و آلن، ۱۹۹۵).

در جوامع امروزی همانطور که قبلاً گفته شد، تقسیم کار نابرابر سبب شده است تا مشاغلی که دارای درآمد چندانی نبوده یا علی الظاهر درآمد زا نیستند به زنان تعلق گیرند که این امر سبب تشدید نابرابری جنسیتی شده است. مشکلات اصلی زنان در نابرابری و تمایزات جنسیتی ناشی از تقسیم کار ناعادلانه است که خود تحت تأثیر نابرابری اقتصادی است.

نگرش مردان نسبت به نقش زنان در طول زمان، تغییر می‌کند و پایگاه فردی و فرآیندهای دوره زندگی نیز بر روی نگرش آنها تأثیر می‌گذارند. از آنجا که پایگاه اجتماعی - اقتصادی متأثر از متغیرهای اقتصادی - اجتماعی است، لذا بررسی تأثیر این متغیرها و بطور کلی پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد بر روی نگرش آنان نسبت به اشتغال زنان بسیار حائز اهمیت است. مردان در جامعه ابزارهای قدرت و سلطه را در اختیار دارند، و بکارگیری این ابزارها جهت ممانعت از مشارکت زنان در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بارها به کار رفته و خود سبب انزوای اجتماعی زنان می‌گردد.

در این تحقیق جهت سنجش نگرش مردان از چارچوب نظری تلفیقی استفاده شده که بنیان آن بر نظریه کالینز است. نظریه کالینز حاصل ادغام چند نظریه جامعه شناختی در یکدیگر است. در این نظریه از نظریه‌های ستیز، مبادله، کنش متقابل گرایشی و تا حدودی از نظریه روانکاوی استفاده شده است (ترنر، ۱۹۸۶). همچنین ریشه‌هایی در پدیدارشناسی و روش شناسی مردمی دارد (ریتزر، ۱۹۹۲). به نظر کالینز مردم ذاتاً اجتماعی‌اند و در روابط اجتماعی‌ایشان استعداد ستیز دارند (همان). به نظر وی برخی کالاها یعنی ثروت، قدرت و وجهه^{۱۱} وجود دارند که مردم در جوامع مختلف آنها را دنبال می‌کنند. نظر به اینکه قدرت بطور ذاتی نامساوی است، لذا ستیز همیشه وجود دارد. اگر فردی مقدار معتناهی قدرت داشته باشد، شخص دیگر لزوماً می‌باید مقدار کمتری داشته باشد و شخص دومی می‌باید از اولی اطاعت کند. چونکه قدرت و وجهه، ذاتاً کالاهای کمیابی هستند و ثروت نیز اغلب با آنها مرتبط است، جاه طلبی افراد حتی به مقدار کمی برای به دست آوردن مقداری بیش از سهم خود از این کالاها، سبب جدال از ناحیه یک فرد و ضد جدال^{۱۱} از جانب دیگری می‌شود (والیس و ولف، ۱۹۹۱).

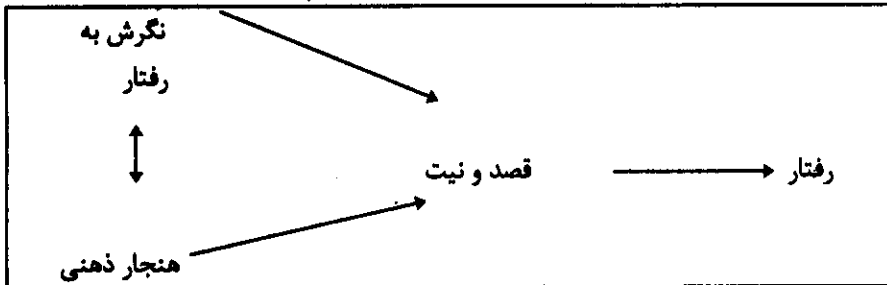
به نظر کالینز ستیز اجتماعی شکل‌های مختلفی می‌تواند به خود بگیرد اما در مرکز همه این اشکال، اجبار مستقیم قرار دارد. زور نیرویی است که مردم همیشه می‌توانند به آن مراجعه نمایند و برخی از مردم همیشه از آن بیشتر از دیگران می‌ترسند (همان). سپس کالینز به نوع شناسی منابعی که مردم را به جدال می‌کشاند می‌پردازد: اول منابع مادی تکنیکی، دوم قدرت بدنی و جذابیت جسمانی، سوم تعداد و انواع مردمی که افراد با آنها در تماس هستند، بنابراین با آنها برای کالاهای مادی و پایگاه مذاکره دارند، چهارم منابعی که مردم در ذخیره شیوه‌های فرهنگی برای طلب همبستگی عاطفی، دارا می‌باشند (همان).

در این نظریه، واحد تحلیل تماس (برخورد یا مواجهه) است که حداقل از دو نفر تشکیل می‌شود که با یکدیگر روبرو می‌شوند و تعامل می‌کنند (کالینز، ۱۹۸۱). لذا متغیر عمده در این زمینه منابعی است که کنشگران در اختیار دارند. کنشگرانی که منابع مادی قابل توجهی دارند، می‌توانند در برابر فشارهای مادی مقاومت کنند و حتی آنها را دگرگون سازند اما آنهایی که منابع اندکی در دسترس دارند، احتمالاً افکار و اعمالشان بیشتر از افراد دسته بالا تحت تأثیر محیط مادیشان تعیین می‌شود (ریترز، ۱۹۹۲). اما وقتی که در سطوح فردی دارای سرمایه فرهنگی برابر و انگیزه‌هایشان مشابه باشد، برای مثال در محاوره میان دوستان، همه شرکا می‌توانند سرمایه فرهنگی شان را افزایش دهند. لیکن در موقعیت نابرابر آنهایی که منابع را تحت نظارت خود دارند، احتمالاً می‌کوشند تا افراد فاقد منابع را استثمار کنند. این امر مستلزم محاسبه آگاهانه از سوی کسانی نیست که از این موقعیت سود می‌برند، بلکه آنها تنها چیزی را تعقیب می‌کنند که بیشتر از همه به نفع خود می‌انگارند. در این فرایند، آنها ممکن است از افراد فاقد منابع سوء استفاده کنند (کالینز، ۱۹۸۱).

در اینجا ما با نظام نابرابری روبرو هستیم که در آنها انسانها بر اساس منابع و انرژی عاطفی‌شان به افراد مسلط و زیردست تقسیم می‌شوند. این نظام پیچیده اجتماعی همیشه با نوعی جهان‌بینی که وضعیت فوق را تحکیم می‌بخشد همراه است، یعنی همان تعریف‌های کلان واقعیت اجتماعی که منافع و سلطه گروهی را بعنوان گروه مسلط به گروه دیگر متجسم می‌سازد و به برداشتهای همه گروهها شکل می‌دهد.

در چارچوب نظری حاضر، بررسی نقش نگرش، اهمیت زیادی دارد. در اینجا از نظریه فیش باین - آیزن استفاده شده که با توجه به موضوع تحقیق، تغییراتی در چارچوب نظری آن داده شده است. فیش باین و آیزن در مطالعات خود در پی تبیین و توضیح رفتار، به نقش نگرش توجه نموده‌اند. به نظر آنان یک کنش یا رفتار در پی یک زنجیره از عوامل روی می‌دهد. حلقهٔ ماقبل بروز رفتار " قصد و نیت " انجام یک رفتار است. اما قصد و نیت، خود متأثر و تابع دو متغیر دیگر است که عبارتند از: " نگرش به رفتار " که متغیری فردی و شخصی می‌باشد و طی آن رفتار از منظر خود فرد کنشگر ارزیابی می‌شود. متغیر دوم "هنجار ذهنی" است که منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آنرا برای انجام یک کار (رفتار) احساس و ادراک می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۲).

تصویر ۱. مدل اولیه نگرش

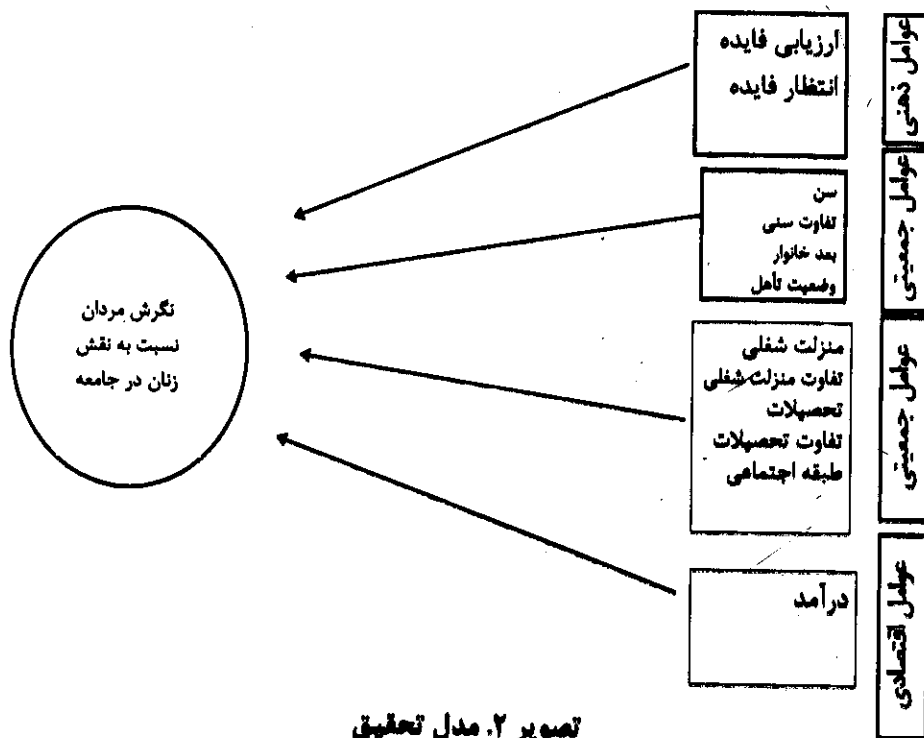


همانطور که از مدل نیز استنباط می شود بین نگرش به رفتار و هنجار ذهنی و یا به عبارت دیگر بین فرد و دیگران (جامعه) یک تعامل وجود دارد. اما این تأثیر و تأثر بسته به محیط اجتماعی و شخصیت فردی متفاوت و در شرایط مختلف و افراد مختلف ممکن است که یکی بر دیگری تأثیر بیشتری بگذارند. نظریه نگرش فیش باین - آیزن تابع دو عامل دیگر نیز می باشد: ۱- انتظار فایده^{۱۲} یا 'باور'^{۱۳} و ۲- ارزیابی فایده^{۱۴}.

انتظار فایده بدین معنی است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار منفعت دارد. برای مثال یک مرد که دارای منابعی از قبیل سواد، درآمد و شغل در سطوح بالایی می باشد، امکان انتظار فایده ای او از اشتغال زنان، با مردان دیگری که این منابع را در سطح پایین تری در اختیار دارند، متفاوت است. بدین لحاظ انتظار فایده منعکس کننده عوامل دیگری چون سروکار داشتن، درک اهمیت و غیره نیز می باشد. بعبارت دیگر بر اساس متغیرهای مختلفی که بر نگرش مردان اثر می گذارند، افراد اهمیت متفاوتی برای اشتغال زنان قائل هستند.

از سوی دیگر ارزیابی فایده فرایندی است که شخص در آن ارزیابی می کند که آیا پدیده مورد نظر به نظر وی برای او دارای منفعت بوده یا خیر. در مثال فوق هر یک از مردان با توجه به زمینه و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود یک نوع ارزیابی از اشتغال زنان و فعالیت آنها دارند. یکی ممکن است اشتغال آنان را خوب و دیگری بد، ارزیابی کند.

در نظریه فوق متغیر هنجار ذهنی منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص یا گروه برای انجام یک رفتار است. بدین معنی که شخص بر این نکته تأکید دارد که تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد یا گروههای خاصی قرار خواهد گرفت (همان: ۱۰). بعبارت دیگر شخص در رفتارش گروهی را بعنوان مرجع در نظر می گیرد و سعی می کند که رفتارش را با انتظارات آنها تنظیم نماید. این متغیر به دو عامل دیگر قابل تجزیه است: نخست، انتظار آنکه یک رفتار از سوی دیگر افراد مهم گروه چگونه ارزیابی می شود. و دوم اینکه: انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران چیست. برای مثال فرد در مواجهه با پدیده اشتغال زنان، رفتارش را با انتظارات گروه مردان هماهنگ می کند و در رفتار خود تأیید یا توبیخ سایر مردان را در نظر خواهد داشت.



تصویر ۲. مدل تحقیق

۵.۳. مدل تحقیق

با توجه به نظریه به کار گرفته شده، مدل تحقیق بر چهار عامل اصلی ذهنی، جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی در اثر گذاری بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه تأکید گذارده است. عوامل چهارگانه هر کدام با شاخصهایی مشخص شده اند که در واقع متغیرهای مستقل این مدل نظری می باشند. متغیر وابسته این مدل، همان نگرش مردان نسبت به نقش زنان است (نگاه کنید به تصویر ۲).

۴. چارچوب روش تحقیق

۴.۱. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، از نوع پیمایشی^{۱۵} است. چون هدف از تحقیق حاضر، بررسی نگرش مردان نسبت به نقش زنان در شهر شیراز می باشد، جامعه مورد بررسی ما همگی مردان ۱۸ سال به بالا، اعم از متأهلین و مجردین ساکن شیراز می باشند. جامعه مورد مطالعه، مردان ساکن در خانوارهای شیراز است. در شیراز بر اساس برآورد سال ۱۳۷۵، بالغ بر

۲۲۵۷۹۶ خانوار در ۴۴۲ حوزه، وجود داشته است. روش نمونه گیری دو مرحله ای براساس تقسیم بندی شهر شیراز به شش منطقه اقتصادی - اجتماعی که قبلاً توسط یکی از محققان تجربه شده بود، انجام گرفت. در مرحله اول از بین مناطق شش گانه، تعدادی حوزه بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند و سپس از میان حوزه‌های انتخابی، ۷۰۰ مرد از ۷۰۰ خانوار براساس نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. فن تحقیق مورد استفاده پرسشنامه می‌باشد. متغیرهای مورد نظر جهت سنجش بصورت معرفه‌هایی درآمده و این معرفها به صورت پرسش در پرسشنامه گنجانده شده است. از طرف دیگر جهت سنجش نگرش گویه‌ها طراحی گردیده است.

در این تحقیق، برای سنجش نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه، از طیف لیکرت استفاده شده است. گویه‌ها از مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر و همچنین از مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده، اقتباس شده‌اند و پس از تغییرات و سازگار نمودن آنها با وضعیت ایران، گویه‌های مناسب انتخاب شدند و سپس به منظور انتخاب گویه‌های معتبر و پایدار از طریق "مطالعه مقدماتی"^{۱۶} بصورت تصادفی در اختیار ۵۰ نفر از پاسخگویان قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا پاسخهای خود را نسبت به هر گویه بر روی طیف، بصورت "کاملاً موافق"، "موافق"، "مخالف" و "کاملاً مخالف" علامت بزنند.^{۱۷}

سپس نمره گذاری با توجه به جهت طیف از یک تا چهار صورت گرفت. بعد از محاسبه مجموع نمرات پاسخگویان، برای حذف گویه‌های نامناسب و ناهماهنگ با سایر گویه‌ها، از روش ضریب همبستگی^{۱۸} و آلفای کرونباخ استفاده شد. بر اساس روش اول، نمره هر گویه را با نمره کل نگرش پاسخگویان و با تک تک گویه‌های دیگر در رابطه قرار دادیم و گویه‌های مناسب را انتخاب نمودیم. در روش دوم، شاخص پایایی کل، مقیاس آماده‌ای به نام "آلفا" است که دامنه آن "۰" تا "۱" است؛ هر چه آلفا بیشتر باشد، پایایی مقیاس بیشتر خواهد بود. آلفای ۰/۸ به بالا، برای پایایی طیف مناسبتر می‌باشد (برایان و دانکن، ۱۹۹۵). اندازه آلفا به پایایی تک تک گویه‌ها بستگی دارد. برای افزایش مقدار آلفا و در نتیجه افزایش پایایی مقیاس باید همه گویه‌هایی که دارای پایایی ضعیف هستند را حذف کرد و این عمل را تا آنجا ادامه داد که آلفای کل طیف، به حداقل مورد قبول برسد. با انجام این روشها، گویه‌هایی که در پرسشنامه آمده‌اند، انتخاب شدند (دواس، ۱۳۷۶).

پس از جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار کامپیوتری SPSS به شرح زیر تنظیم و مورد استفاده قرار گرفت. در این قسمت با استفاده از جداول تقاطعی کلیه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تصویری از توزیع جمعیت مورد مطالعه را به دست می‌دهد. علاوه بر آن برای تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و آزمون فرضیه از دو روش "ضریب همبستگی پیرسون" و "تحلیل واریانس یکطرفه" استفاده گردید.

همچنین از ضریب همبستگی پیرسون برای تحلیل رابطه بین متغیرهای فاصله‌ای و ترتیبی با متغیر وابسته استفاده شده است. علاوه بر آن، از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. مزیت روش رگرسیون برای تحقیقات اجتماعی، در آن است که ترتیب و شدت و تأثیر یک‌ایک متغیرها را، آنهم فقط متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، بطور نسبی، یعنی در ارتباط با هم، تعیین می‌نماید (موزر، ۱۳۶۸). در رگرسیون چند متغیره می‌توان هم از متغیرهای پیوسته و هم از متغیرهای طبقه‌ای سود جست (کرلینجر، ۱۳۶۶). در این روش برای به کارگیری متغیرهای طبقه‌ای از "متغیرهای ساختگی"^{۱۹} استفاده می‌شود. متغیرهای ساختگی را می‌توان در جوار متغیرهای مستقل پیوسته به کار برد و تفاوتی بین تحلیل رگرسیون با متغیرهای مستقل پیوسته و تحلیل رگرسیون با متغیرهای مستقل طبقه‌ای یا کدگذاری شده وجود ندارد. متغیرهای ساختگی، متغیرهایی هستند که در آن آزمودنیها بسته به این که صفت مورد نظر را دارا باشند یا نباشند کدهای "۱" و "۰" می‌گیرند (همان).

۴.۲. تعریف مفاهیم

در این تحقیق، متغیر وابسته، "نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه" است. نگرش از مفاهیم اساسی در روانشناسی اجتماعی است که بین ^{۲۰} "عقیده" از یک سو و "عمل" از سوی دیگر جای می‌گیرد و دارای دو بعد اساسی است: آمادگی درونی بالفعل جهت انجام عمل و گرایش و یا جهت گیری مثبت یا منفی در برابر یک امر اجتماعی (اشخاص، گروه‌ها، یا اشیاء). برای سنجش نگرش مردان نسبت به اشتغال زنان، از مجموعه‌ای از گویه‌ها استفاده شد که بر روی هم نگرش مردان را مورد آزمون قرار می‌دهد. این گویه‌ها هرکدام بُعدی از ابعاد نگرش را می‌سنجند و بدین طریق در این تحقیق نگرش بوسیله یک مجموعه از گویه‌ها تعریف عملیاتی می‌شود. در این پژوهش از متغیرهای مستقل زیر استفاده شده است:

۴.۲.۱. انتظار فایده: انتظار فایده بدین معنی است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار منفعت دارد. برای مثال یک مرد که دارای منابعی از قبیل سواد، درآمد و شغل در سطوح بالایی می‌باشد، نسبت به مردان دیگری که دارای این منابع در سطوح کمتری هستند انتظار فایده‌ای کمتر دارند.

۴.۲.۲. ارزیابی فایده: فرایندی است که شخص در آن ارزیابی می‌کند که آیا پدیده مورد نظر به نظر وی برای او دارای منفعت بوده یا خیر؟، در مثال فوق هر یک از مردان با توجه به زمینه و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود، یک نوع ارزیابی از اشتغال زنان و فعالیت آنها دارند. یکی ممکن است اشتغال آنان را خوب و دیگری بد ارزیابی کند.

۴.۲.۳. سن: منظور سن تقویمی پاسخگو می‌باشد.

۴.۲.۴. تفاوت سنی: منظور تفاوت سنی بین مرد و زن است که از تفریق سن زن از مرد به دست می‌آید. این متغیر برای مردان متأهل مورد استفاده قرار می‌گیرد و بصورت قدر مطلق وارد معادلات آماری می‌شود.

۴.۲.۵. بعد خانوار: منظور تعداد افراد تشکیل دهنده خانوار است.

۴.۲.۶. وضعیت تأهل: منظور مجرد یا متأهل بودن پاسخگو است که متغیری اسمی است.

۴.۲.۷. منزلت شغلی: موقعیت یک شغل در جامعه و در بین مردم می‌باشد.

۴.۲.۸. تفاوت منزلت شغلی: از تفریق منزلت شغلی زنان شاغل از مردان شاغل به دست می‌آید و بصورت قدر مطلق وارد معادلات آماری می‌شود.

۴.۲.۹. تحصیلات: تعداد سالهایی که یک نفر به تحصیل اشتغال داشته است.

۴.۲.۱۰. تفاوت تحصیلات: از تفریق میزان تحصیلات زن از همسرش به دست می‌آید و بصورت قدر مطلق وارد معادلات آماری می‌شود.

۴.۲.۱۱. طبقه اجتماعی: در این تحقیق، طبقه اجتماعی یک متغیر ترکیبی است که از ترکیب موقعیت های اقتصادی و اجتماعی افراد (شغل، درآمد، تحصیلات و ...) تشکیل شده، و افراد در نهایت در ۲ طبقه بالا و پایین توزیع گردیدند.

۴.۲.۱۲. درآمد: مقدار پول دریافتی فرد در ازای ارائه خدمات است. در اینجا عین رقم درآمد ماهیانه مورد نظر است که متغیری فاصله‌ای است.

۴.۳. فرضیه های تحقیق

فرضیه های مورد بررسی در این تحقیق عبارتند از:

۱. احتمال دارد بین سن و نگرش پاسخگو، رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.
۲. به نظر می‌رسد بین تفاوت سنی و نگرش پاسخگو، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. پیش بینی می‌شود، بین تحصیلات و نگرش پاسخگو، رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.
۴. به نظر می‌رسد بین تفاوت تحصیلات و نگرش پاسخگو، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. پیش بینی می‌شود، بین منزلت شغلی و نگرش پاسخگو، رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.
۶. به نظر می‌رسد بین تفاوت منزلت شغلی و نگرش پاسخگو، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۷. پیش بینی می‌شود بین طبقه اجتماعی فرد و نگرش، رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد.

۸. احتمال دارد بین درآمد و نگرش پاسخگو، رابطه معنی داری وجود داشته باشد.
۹. به نظر می رسد بین وضعیت تأهل و نگرش پاسخگو، رابطه معنی داری وجود دارد.
۱۰. پیش بینی می شود که بین ارزیابی فایده توسط فرد از نقش زنان در جامعه و نگرش وی نسبت به این نقش، رابطه معنی داری وجود داشته باشد.
۱۱. احتمال دارد بین انتظار فایده توسط فرد از نقش زنان در جامعه و نگرش وی نسبت به این نقش رابطه معنی داری وجود داشته باشد.
۱۲. پیش بینی می شود که بین بُعد خانوار و نگرش مرد نسبت به نقش زنان در جامعه رابطه معنی داری وجود داشته باشد.

۵. یافته ها

۵.۱. یافته های توصیفی

• در این قسمت، نتایج به دست آمده از کار تحقیقاتی بشکل توصیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱، نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل، تحصیلات و درآمد آنها می باشد. با توجه به آمار جدول، ۸/۹ درصد پاسخگویان بدون درآمد هستند که از این میان ۵/۷ درصد مجرد و ۳/۲ درصد متأهل می باشند. ۶/۹ درصد پاسخگویان دارای درآمدی بین ۱۰ تا ۳۰ هزار تومان می باشند که ۳/۵ درصد را افراد مجرد و ۳/۴ درصد سابقه، افراد متأهل هستند. ۲۸/۷ درصد افراد مورد مطالعه دارای درآمدی بین ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان هستند که از این میان افراد مجرد ۷/۴ درصد و افراد متأهل ۲۱/۳ درصد را به خود اختصاص داده اند. ۲۲/۸ درصد افراد دارای درآمدهایی بین ۶۰ تا ۹۰ هزار تومان هستند. ۴/۹ درصد این گروه را مجردین و ۱۷/۹ درصد مابقی را افراد متأهل تشکیل می دهند. ۱۴/۱ درصد افراد در گروه درآمدهای بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار تومان قرار دارند که از این میان ۴/۹ درصد مجرد و ۹/۲ درصد متأهل هستند. همچنین ۴/۹ درصد از افراد نمونه را کسانی تشکیل می دهند که دارای درآمدهایی بین ۱۲۰ هزار تومان تا ۱۵۰ هزار تومان می باشند. در این گروه افراد مجرد ۲/۱ درصد و متأهلین ۲/۸ درصد را به خود اختصاص می دهند. ۰/۹ درصد افراد نمونه دارای درآمدهایی بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تومان هستند که از این میان افراد مجرد تنها ۰/۲ درصد را به خود اختصاص می دهند و ۰/۷ درصد مابقی را افراد متأهل تشکیل می دهند. ۱۲/۴ درصد را کسانی به خود اختصاص داده اند که دارای درآمدهایی بالاتر از ۱۸۰ هزار تومان هستند. پاسخگویان مجرد تنها ۱/۸ درصد این گروه را تشکیل می دهند و ۱۰/۴ درصد مابقی مربوط به متأهلین می باشد.

در گروه‌های مختلف تحصیلی و درآمدی در میان مجردها مشاهده می‌شود بیشترین درآمدها در میان افراد دارای تحصیلات در سطح دبیرستان و تا مقطع دیپلم و سپس در سطح دانشگاهی می‌باشد. در گروه افراد دارای سطوح بالاتر از لیسانس، تا گروه‌های درآمدی ۱۰ تا ۶۰ هزار و ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تومان وجود ندارد و در دیگر گروه‌های درآمدی و بویژه گروه درآمدی بالاتر از ۱۸۰ هزار تومان است که ما شاهد افراد با تحصیلات بالاتر از لیسانس هستیم. از سوی دیگر در گروه افراد مجرد بی سواد نیز در گروه‌های درآمدی ۶۰ تا ۱۸۰ هزار تومان موردی وجود ندارد و تنها در گروه درآمدی بالاتر از ۱۸۰ هزار تومان تنها یک مورد دیده می‌شود. در کل ۰/۸ درصد افراد مجرد را بی سوادها تشکیل می‌دهند. ۱/۲ درصد افراد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴/۸ درصد افراد دارای تحصیلات در سطح راهنمایی، ۱۷/۷ درصد دارای تحصیلات در سطح دبیرستان و تا مقطع دیپلم، ۷/۴ درصد دارای تحصیلات تا مقطع لیسانس و ۰/۴ درصد نیز دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس هستند. در میان متأهلین، بیشترین افراد دارای درآمد، در بین افراد دارای تحصیلات دبیرستانی و تا مقطع دیپلم را با ۲۸/۳ درصد تشکیل می‌دهند. دومین گروه را افراد دارای تحصیلات در سطح راهنمایی با ۱۶/۵ درصد و گروه سوم لیسانس ها با ۹/۶ درصد تشکیل می‌دهند. افراد دارای تحصیلات در سطح ابتدایی با ۷/۴ درصد، بی سوادها با ۳/۴ درصد و کسانی که دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس هستند ۲/۱ درصد در مراتب بعدی قرار دارند.

جدول ۲، نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و سن آنها می‌باشد. با توجه به آمارهای جدول، ۲۳/۷ درصد افراد نمونه دارای سن بین ۳۵ تا ۴۴ سال هستند که از این میان ۱/۵ درصد مجرد و ۲۲/۲ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. بطور مشابه ۲۳/۷ درصد افراد بین گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۴ سال می‌باشند که ۷/۹ درصد این گروه را مجردان و ۱۵/۸ درصد را متأهلین تشکیل می‌دهند. گروه دوم شامل افراد بین ۱۴ تا ۲۴ سال با ۲۲/۲ درصد می‌گردد. در این گروه مجردان با ۱۸/۹ درصد و متأهلین با ۳/۳ درصد حضور دارند. سومین گروه سنی با ۱۷/۶ درصد، بین سنین ۴۵ تا ۵۴ سال قرار دارند. ۳ درصد این گروه را مجردان و ۱۴/۶ درصد را متأهلین به خود اختصاص می‌دهند. افرادی که بین گروه‌های سنی ۵۵ تا ۶۴ سال، ۶۵ تا ۷۴ سال و ۷۵ سال به بالا قرار دارند به ترتیب دارای ۷/۱ درصد، ۲/۹ درصد و ۲/۸ درصد هستند. در گروه ۵۵ تا ۶۴ سال، مجردان ۰/۶ درصد و متأهلین ۶/۵ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در گروه بعدی یعنی ۶۵ تا ۷۴ سال ۰/۴ درصد مربوط به مجردین و ۲/۵ درصد مربوط به متأهلین می‌شود. در گروه ۷۵ سال به بالا، ۰/۲ درصد مجرد و ۲/۶ درصد متأهل هستند.

جدول ۳ نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل، تحصیلات و طبقه اجتماعی آنها می‌باشد. با توجه به درصدهای جدول، ۸۲/۸ درصد پاسخگویان در طبقات

جدول ۱
توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب تأهل، سطح تحصیلات و درآمد

کل	متاهل						مجرد						وضعیت تأهل تحصیلات	درآمد (بد ریال) بی درآمد	
	بالتر از لیسانس	لیسانس	دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	بی سواد	بالتر از لیسانس	لیسانس	دبیرستان	راهنمایی	ابتدایی	بی درآمد			
۵۳	۱	۳	۵	۹	-	-	۹	۱/۵	۲۰	۳/۴	۳	۲	-	۰/۴	۱۰/۰۰۰-۳۰/۰۰۰
۴۱	-	۱	۵	۳	۶	۲	۲	۰/۴	۱۳	۲/۴	۵	۱	۰/۴	-	۳۰/۰۰۰-۶۰۰/۰۰۰
۱۶۹	-	۱۰	۵۱	۳۸	۱۵	۱۱	۲۸	۶/۵	۲۲	۳/۸	۶	۳	۰/۴	-	۶۰۰/۰۰۰-۹۰۰/۰۰۰
۱۲۵	۱	۱۹	۳۸	۳۳	۱۳	۲	۲۲	۳/۴	۲۰	۳/۴	۲	۱	۰/۴	-	۹۰۰/۰۰۰-۱۲۰۰/۰۰۰
۸۴	۱	۱۰	۲۷	۱۱	۵	-	۱۱	۱/۸	۲۷	۳/۶	۷	۲	۰/۴	-	۱۲۰۰/۰۰۰-۱۵۰۰/۰۰۰
۲۰	۳	۲	۶	۵	۱	-	۵	۰/۸	۵	۰/۸	۲	-	-	-	۱۵۰۰/۰۰۰-۱۸۰۰/۰۰۰
۵	-	۲	۱	۱	-	-	۱	۰/۴	-	-	-	-	-	-	۱۸۰۰/۰۰۰-۲۰۰۰/۰۰۰
۷۳	۶	۹	۲۳	۷	۳	۲	۲۳	۳/۸	۱۲	۲/۰	۲	۱	۰/۴	-	۲۰۰۰/۰۰۰-۳۰۰۰/۰۰۰
۵۸۹	۱۲	۵۷	۱۶۷	۹۷	۳۳	۲۰	۳۳	۷/۴	۱۰۵	۱۷/۴	۳۶	۷	۱/۲	۰/۸	۳۰۰۰/۰۰۰-۴۰۰۰/۰۰۰
۱۰۰۰	۲۸	۹۶	۲۸۳	۱۶۵	۶۵	۳۰	۶۷	۱۶/۵	۱۷۷	۲۸	۷۳	۱۲	۵	۰/۸	۴۰۰۰/۰۰۰-۵۰۰۰/۰۰۰

جدول ۲
توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب تاهل، سطح تحصیلات و سن

کل	تاهل						متاهل						جمعیت تاهل تعداد															
	مطلق		نسبت		نسبت		مطلق		نسبت		نسبت																	
	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت																
۱۵۰	۱	۰.۰۱	۳	۰.۰۲	۱۰	۰.۰۷	۶	۰.۰۴	۱	۰.۰۱	۱	۰.۰۱	۲	۰.۰۱	۴	۰.۰۲	۱۲	۰.۰۸	۸۰	۰.۵۳	۲۲	۰.۱۴						
۱۶۰	۲	۰.۰۱	۶	۰.۰۴	۶۶	۰.۴۱	۳۲	۰.۲۰	۷	۰.۰۴	۷	۰.۰۴	۲۲	۰.۱۴	۱۴	۰.۰۹	۳۲	۰.۲۰	۳۲	۰.۲۰	۱	۰.۰۱	-	-				
۱۶۰	۷	۰.۰۴	۳۷	۰.۲۳	۶۱	۰.۳۸	۳۳	۰.۲۱	۱۸	۰.۱۱	۱۸	۰.۱۱	۲۷	۰.۱۷	۳	۰.۰۲	۵	۰.۰۳	۱	۰.۰۱	۱	۰.۰۱	۱	۰.۰۱	۱	۰.۰۱		
۱۱۹	۴	۰.۰۳	۱۴	۰.۱۲	۳۶	۰.۳۰	۲۴	۰.۲۰	۱۰	۰.۰۸	۱۰	۰.۰۸	۱۵	۰.۱۲	۲	۰.۰۱	۷	۰.۰۶	۷	۰.۰۶	۳	۰.۰۲	۱	۰.۰۱	۱	۰.۰۱		
۴۸	-	-	۳	۰.۰۶	۸	۰.۱۷	۱۸	۰.۳۷	۶	۰.۱۲	۶	۰.۱۲	۱۳	۰.۲۷	۲	۰.۰۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۲۰	۱	۰.۰۵	۴	۰.۲۰	۱	۰.۰۵	۵	۰.۲۵	۲	۰.۱۰	۲	۰.۱۰	۳	۰.۱۵	۱	۰.۰۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۹	-	-	۱	۰.۰۵	۵	۰.۲۶	۶	۰.۳۲	۲	۰.۱۰	۲	۰.۱۰	۱۵	۰.۷۹	۱	۰.۰۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۶۶۶	۱۵	۰.۰۲	۷۰	۰.۱۰	۱۸۱	۰.۲۷	۱۰۴	۰.۱۶	۵۲	۰.۰۸	۵۲	۰.۰۸	۲۱۶	۰.۳۲	۲۱	۰.۰۳	۱۷۲	۰.۲۶	۱۷۲	۰.۲۶	۶	۰.۰۱	۶	۰.۰۱	۶	۰.۰۱	۶	۰.۰۱

متوسط رو به پایین و پایین اجتماع می باشند و $۱۷/۲$ درصد نیز به طبقات متوسط رو به بالا و بالایی جامعه تعلق دارند. در طبقات بالای جامعه $۵/۵$ درصد مجرد و $۱۱/۷$ درصد متأهل می باشند. همچنین در طبقات پایین جامعه $۲۷/۵$ درصد مجرد و $۵۵/۳$ درصد مابقی متأهل هستند.

جدول ۴، نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل، تحصیلات و منزلت شغلی آنها می باشد. بر اساس آمار جدول، $۷۳/۴$ درصد دارای منزلت شغلی متوسط می باشند. در این گروه ۱۷ درصد مجرد و $۵۶/۴$ درصد متأهل هستند. همچنین در این گروه افراد دارای تحصیلات دبیرستانی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده اند ($۸/۲$ درصد مجردان و $۲۸/۱$ درصد متأهلین). افراد نمونه دارای منزلت شغلی پایین با $۲۴/۴$ درصد در مرتبه دوم قرار دارند. در گروه مجردان این طبقه منزلتی، بیشترین درصد مربوط به افراد دارای تحصیلات دبیرستانی ($۲/۶$ درصد) و در متأهلان افراد دارای سطح تحصیلات ابتدایی با ۶ درصد، $۵/۶$ درصد مربوط به افراد راهنمایی و $۵/۴$ درصد مربوط به افراد دارای تحصیلات دبیرستانی تا مقطع دیپلم هستند. $۲/۲$ درصد نیز دارای منزلت شغلی بالا هستند. در این گروه افراد دارای دیپلم و لیسانس (در مجردان) و در افراد متأهل نیز افراد لیسانس و بالاتر از آن، بیشترین درصد هستند.

۵.۲. یافته های استنباطی

جدول ۵، نشان دهنده رابطه تعاملی بین دو متغیر تحصیلات و تفاوت سنی از یکسو و نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه از سوی دیگر می باشد. همانطور که جدول فوق نشان می دهد رابطه معنی داری بین تحصیلات افراد نمونه و نگرش آنها وجود دارد ($p < ۰/۱۰$) و $F = [۹/۹۳۹] = ۰/۰۰۰$. اما رابطه معنی داری بین تفاوت سنی و نگرش وجود ندارد ($p < ۰/۰۵$) و $F = [۰/۵۳۱] = ۰/۴۶۶$. با توجه به جدول فوق بین تعامل دو متغیر تحصیلات و تفاوت سنی از یکسو و نگرش مردان نسبت به نقش زنان از سوی دیگر رابطه وجود دارد ($p < ۰/۰۵$) و $F = [۲/۶۶] = ۰/۰۳۲$. عبارت دیگر تغییر همزمان دو متغیر اجتماعی (تحصیلات) و جمعیتی (تفاوت سنی) بر روی تغییر در نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه مؤثر می باشد.

جدول ۳ توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب تاهل، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی

کل	متاهل						مجرد						مجموع	نسبت تاهل تخصیلات	طبقه اجتماعی
	کل	بالتر از لیسانس	لیسانس	دیرستان	رشدگی	ابتدایی	بی سواد	بالتر از لیسانس	لیسانس	دیرستان	رشدگی	ابتدایی			
۱۱۵	۱۱	۲۰	۳۹	۳۹	۴	۲	۲	۱۲	۲۰	۲۰	۴	-	۱	بالا	
۱۷۲	۱/۶	۳/۰	۵/۸	۵/۸	۰/۶	۰/۳	۰/۳	۱/۸	۳/۰	۳/۰	۰/۶	-	۰/۱	پایین	
۵۵۹	۴	۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰	۱۹	۴۴	۱۰۱	۲۷	۲۰	۷	۵	کل	
۸۲/۸	۰/۶	۷/۴	۲۲/۳	۱۴/۸	۱۴/۸	۷/۴	۲/۸	۰/۳	۱۵/۰	۴/۰	۴/۰	۱/۰	۰/۷		
۶۷۴	۱۵	۷۰	۱۸۹	۱۸۹	۱۰۴	۵۲	۲۱	۵۶	۱۲۱	۳۱	۲۱	۷	۶		
۱۰۰/۰	۷/۲	۱۰/۴	۲۸/۰	۱۵/۴	۱۵/۴	۷/۲	۳/۱	۰/۳	۱۸/۰	۴/۴	۱/۰	۱/۰	۰/۹		

جدول ۴ توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب تاهل، سطح تحصیلات و منزلت شغلی

کل	متاهل						مجرد						مجموع	نسبت شغلی تخصیلات
	کل	بالتر از لیسانس	لیسانس	دیرستان	رشدگی	ابتدایی	بی سواد	بالتر از لیسانس	لیسانس	دیرستان	رشدگی	ابتدایی		
۱۲۲	-	۲	۲۷	۵۴	۲۸	۳۰	۹	۲	۱۲	۵	۴	۱	۱	یابین
۲۴۴	-	۰/۶	۵/۴	۵/۴	۵/۶	۶/۰	۱/۸	-	۲/۶	۱/۰	-	-	-	متوسط
۳۶۶	۱۱	۵۴	۱۴۰	۲۸۱	۵۴	۱۴	۸	۲۰	۴۱	۱۷	۳	۲	۲	بالا
۷۲۴	۷/۲	۱۰/۸	۲۸/۱	۱۰/۸	۱۰/۸	۲/۸	۱/۶	۰/۴	۸/۲	۲/۴	۰/۶	-	-	کل
۱۱	۴	۴	-	۱	۰/۲	-	-	۱	۱	-	-	-	-	
۲۹۹	۱۵	۶۱	۱۶۷	۳۳۴	۸۲	۴۴	۱۷	۲۳	۵۵	۲۲	۷	۳	۳	
۱۰۰/۰	۳/۰	۱۲/۲	۳۳/۴	۱۶/۶	۱۶/۶	۸/۸	۴/۴	۰/۴	۱۱/۰	۴/۴	۱/۴	۰/۶	۰/۶	

جدول ۵

تحلیل واریانس دو طرفه بین تحصیلات افراد نمونه و تفاوت سنی افراد نمونه
(متغیرهای مستقل) و نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه
(متغیر وابسته)

متغیر	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
تحصیلات	۴	۶۴۷۲/۲۲	۱۶۱۸/۰۶	۹/۹۳۹	۰/۰۰۰
تفاوت سنی	۱	۸۶/۵۲	۸۶/۵۲	۰/۵۳۱	۰/۴۶۶
تعامل دوطرفه	۴	۱۷۲۲/۸۳	۴۳۲/۴۶	۲/۶۶	۰/۰۳۲

یکی از فرضیه‌های تحقیق این بود که بین منزلت شغلی و نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه رابطه معنی داری وجود دارد. بطوری که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد بر اساس آزمون تحلیل پراکنش یکسویه، فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد و رابطه معنی داری بلحاظ آماری نشان داده می‌شود. میانگین نمره نگرش کسانی که از منزلت شغلی بالاتری برخوردارند (۱۳۳/۴۵۴۵) نسبت به گروه آماری منزلت شغلی متوسط (۱۲۶/۲۴۳۱) و منزلت شغلی پایین (۱۲۲/۷۱۳۰) بالاتر می‌باشد و تفاوت مشاهده شده بین سه میانگین بر اساس آزمون فوق با مقدار $F(4/8589)$ در سطح بیش از ۹۵ درصد ($p = 0/0082$) معنی دار است. حال برای این که ببینیم بین کدامیک از طبقات منزلت شغلی تفاوت معنی دار می‌باشد از آزمون شفی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین منزلت‌های شغلی پایین و بالا تفاوتها معنی دار می‌باشد. و بین منزلت‌های شغلی پایین و متوسط و منزلت‌های شغلی متوسط و بالا تفاوتها بلحاظ آماری معنی دار نمی‌باشد.

جدول ۶

آزمون تفاوت میانگین نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه برحسب

منزلت شغلی افراد نمونه ($N=407$)

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
منزلت شغلی پایین	۱۰۸	۱۲۲/۷۱۳۰	۱۲/۶۲۷۹	۴/۶۷۵۹	۰/۰۰۸۲
منزلت شغلی متوسط	۲۸۸	۱۲۶/۲۴۳۱	۱۳/۱۶۵۷		
منزلت شغلی بالا	۱۱	۱۳۳/۴۵۴۵	۱۲/۱۶۰۳		

یکی دیگر از فرضیه‌های تحقیق چنین پیش‌بینی می‌کرد که بین طبقه اجتماعی افراد نمونه و نگرش آنها نسبت به نقش زنان رابطه معنی داری بلحاظ آماری وجود دارد. با توجه به جدول شماره ۷ این فرضیه تأیید می‌شود. به بیان دیگر میانگین نمره نگرش مردانی که در

طبقات متوسط رو به بالا و بالای جامعه قرار دارند، ۱۲۸/۶۱۷۳ می باشد که نسبت به میانگین کسانی که در طبقات پایین جامعه هستند (۱۲۵/۲۰۰۴) بیشتر است. تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون تحلیل پراکنش یکطرفه با مقدار F ، $F=۴/۶۷۵۹$ در سطح بیش از ۹۵ درصد، ($p=۰/۰۳۱۰$) معنادار است.

جدول ۷

آزمون تفاوت میانگین نگرش مردان نسبت به نقش زنان بر حسب طبقه

اجتماعی افراد نمونه (N=۵۵۵)

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
طبقات بالا	۸۱	۱۲۸/۶۱۷۳	۱۲/۶۲۷۹	۴/۶۷۵۹	۰/۰۳۱۰
طبقات پایین	۴۷۴	۱۲۵/۲۰۰۴	۱۳/۲۲۷۶		

بر اساس یکی از فرضیه‌ها، به نظر می‌رسد مردانی که دارای تحصیلات بالا هستند، نسبت به مردانی که دارای تحصیلات پایین هستند، دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به نقش زنان در جامعه می‌باشند. همانطور که جدول ۸ نشان می‌دهد، نتایج به دست آمده از این داده‌ها، این فرضیه را تأیید می‌کند. میانگین نمره افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (۱۶۳/۱۸۵۸) نسبت به میانگین کسانی که تحصیلاتشان دبیرستانی و تا سطح دیپلم است (۱۵۹/۰۸۷۴) همچنین میانگین دو طبقه فوق نسبت به میانگین سایر طبقات یعنی راهنمایی (۱۵۵/۰۸۷۴)، ابتدایی (۱۵۰/۵۹۱۸) و بی‌سواد (۱۵۵/۹۵۲۴) بیشتر می‌باشد. تفاوت مشاهده شده بین پنج میانگین بر اساس آزمون F با مقدار $F=۶/۶۱۸۱$ در سطح بیش از ۹۹ درصد، ($p=۰/۰۰۰۰$) معنی دار است. بعبارت دیگر، مردانی که دارای تحصیلات بالاتر می‌باشند، نسبت به مردان با تحصیلات پایین تر دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به نقش زنان در جامعه می‌باشند. آزمون شفی نشان دهنده آن است که بین مقولات بی‌سواد و دانشگاهی، بی‌سواد و دبیرستانی و همچنین ابتدایی و دانشگاهی تفاوت‌های معنی داری وجود دارد اما در بین سایر مقولات، تفاوت معنی دار نمی‌باشد.

جدول ۸

آزمون تفاوت میانگین نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه برحسب

تحصیلات افراد نمونه ($N=502$)

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بی سواد	۲۱	۱۵۵/۹۵۲۴	۱۶/۲۲۸۰	۶/۶۱۸۱	۰/۰۰۰۰
ابتدایی	۴۹	۱۵۰/۵۹۱۸	۱۶/۰۹۲۱		
راهنمایی	۱۰۳	۱۵۵/۰۸۷۴	۱۲/۷۰۸۸		
دبیرستان	۲۳۳	۱۵۹/۰۸۷۴	۱۶/۱۸۶۷		
دانشگاهی	۱۱۳	۱۶۳/۱۸۵۸	۱۴/۵۵۶۳		

بر اساس یکی از فرضیات چنین پیش بینی می شد که بین وضع تأهل و نگرش پاسخگو، رابطه معنی داری وجود دارد. بطوریکه جدول ۹ نشان می دهد، نتایج به دست آمده بر اساس آزمون T فرضیه فوق را تأیید نموده است و رابطه معنی داری را بلحاظ آماری نشان داده است. میانگین نمره افراد مجرد ۱۵۸/۶۹۴۸ می باشد که بالاتر از میانگین نمره افراد متأهل است، یعنی ۱۵۸/۰۵۵۶، تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T با مقدار ۳/۸۹۷ در سطح بیش از ۹۵ درصد $p=0/049$ معنی دار است.

جدول ۹

آزمون تفاوت نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه با متغیر وضعیت تأهل

($N=532$)

وضع تأهل	فراوانی	میانگین نمره نگرش	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
مجرد	۱۵۴	۱۵۸/۶۹۴۸	۱۴/۱۴۳	۳/۸۹۷	۰/۰۴۹
متأهل	۳۷۸	۱۵۸/۰۵۵۸	۱۷/۳۶۹		

جدول ۱۰، نشان دهنده رابطه همبستگی بین برخی از متغیرهای ذهنی، جمعیتی و اجتماعی می باشد. بر اساس فرضیه، دو عامل ذهنی انتظار فایده و ارزیابی فایده دارای رابطه معنی داری با نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه می باشند. بر اساس این فرضیه، رابطه مستقیمی بین دو متغیر فوق و نگرش مردان نسبت به نقش زنان وجود دارد. با توجه به جدول، رابطه بین متغیر انتظار فایده با نگرش مردان بیش از ۰/۶ می باشد که در سطح بیش از ۹۹ درصد $(p=0/000)$ معنی دار است. همچنین رابطه بین ارزیابی فایده و نگرش مردان نیز بیش از ۰/۵۷ است که در سطح بیش از ۹۹ درصد $(p=0/000)$ معنی دار می باشد. از متغیرهای جمعیتی که به نظر می رسد بر نگرش مردان تأثیر بگذارد تفاوت سنی آنها با همسرانشان و بعد

خانوار بودند که در سطح ۹۵ درصد اطمینان بلحاظ آماری معنی‌دار نبودند. همچنین رابطه متغیرهای سن که از متغیرهای جمعیتی می‌باشد و متغیر درآمد خانوار که متغیر اقتصادی مورد مطالعه می‌باشد نیز با متغیر نگرش در سطح ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نگرفت. از دیگر متغیرهای اجتماعی - اقتصادی که با نگرش مردان دارای رابطه می‌باشد، شغل است. براساس فرضیه، کسانی که بلحاظ اجتماعی دارای مشاغل بالاتری می‌باشند، دارای نگرش مثبت‌تری نیز در خصوص نقش زنان در جامعه می‌باشند. بر اساس جدول ۱۰، رابطه بین دو متغیر فوق بیش از ۰/۱۵ است که در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. همچنین تفاوت تحصیلی پاسخگو و همسر وی با نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه در سطح ۹۵ درصد اطمینان بلحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین فرض رابطه بین تفاوت تحصیلی پاسخگو و همسرش بر نگرش وی به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول ۱۰

رابطه برخی از متغیرهای مستقل با نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه

تفاوت تحصیلی	منزلت شغلی	درآمد خانوار	بعد خانوار	سن مرد	تفاوت سنی	ارزیابی فایده	انتظار فایده	متغیرهای مستقل / متغیر وابسته
-۰/۰۵۴۷	۰/۱۵۷۵	۰/۰۱۹۸	-۰/۰۷۱۹	-۰/۰۲۱۵	۰/۰۷۲۵	۰/۵۷۵۰	۰/۶۰۶۴	نگرش مردان
$P=۰/۳۴۶$	$P=۰/۰۰۰$	$P=۰/۶۶۳$	$P=۰/۰۹۸$	۰/۶۱۸	$P=۰/۱۶۸$	$P=۰/۰۰۰$	$P=۰/۰۰۰$	

جداول ۱۱ و ۱۲ بیانگر تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل برای پیش بینی متغیر وابسته می‌باشد. بررسی نتایج آماری مندرج در جدول ۱۱ نشان می‌دهد که با سطح معنی‌داری (بیش از ۹۹ درصد) معادله رگرسیونی دارای سه مرحله می‌گردد. بر اساس جدول مذکور، ضریب رگرسیونی چند متغیره (R) در مرحله سوم ۰/۸۴۲۶۳ است. ضریب تعیین در مرحله سوم برابر با ۰/۷۱۰۰۲ است و نشان می‌دهد که در مرحله سوم، سه متغیر انتظار فایده، ارزیابی فایده و درآمد، در مجموع می‌توانند در حدود ۷۱ درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه) را پیش بینی کنند. مقدار افزوده شده به R^2 در مرحله دوم، نزدیک به ۱۵ درصد و در مرحله سوم نسبت به مرحله پیشین نزدیک به ۰/۰۸ درصد می‌باشد که در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار است. بدین ترتیب ۲۹ درصد از واریانس یا پراکنش متغیر وابسته تحلیل نشده باقی می‌ماند که به سایر متغیرهای پیش بینی نشده مربوط می‌باشد. R^2 به دست آمده گویای آن است که این معادله از قدرت پیش بینی نسبتاً بالایی برخوردار است و بیش از ۷۰ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مذکور پیش بینی می‌شود.

سایر شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله نظیر ضرایب رگرسیونی برای نمرات خام (B) و نمرات استاندارد شده (Beta) و نیز آزمون t برای ضریب B را

می توان در جدول ۱۲ خلاصه نمود. بیشترین همبستگی ($Beta = 0/4811$) مربوط به متغیر انتظار فایده می باشد. در مرحله دوم ارزیابی فایده دارای همبستگی ($Beta = 0/4458$) می باشد. در مرحله سوم درآمد دارای همبستگی ($Beta = 3/0486$) می باشد. آزمون t نشان می دهد که ضریب B برای سه متغیر انتظار فایده، ارزیابی فایده و درآمد از نظر آماری در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنی دار هستند.

جدول ۱۱

عناصر اساسی تحلیل چند متغیره بروش مرحله به مرحله برای

پیش بینی متغیر وابسته

مرحله	متغیر وارد شده	R	سطح معنی داری	R^2	مقدار افزوده شده به R^2 نسبت به قبل	سطح معنی داری (Sig F)	اشتباه استاندارد
اول	انتظار فایده	0/69634	0/0000	0/48489	-	0/0000	12/08423
دوم	ارزیابی فایده	0/79564	0/0000	0/63304	0/14815	0/0000	10/36267
سوم	درآمد	0/84263	0/0000	0/71002	0/07698	0/0000	9/36411

جدول ۱۲

عناصر درون معادله برای پیش بینی نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه

در مرحله دوم

نام متغیر	B	Beta	T	Sig T
انتظار فایده	2/3191	0/4810	4/419	0/0000
ارزیابی فایده	4/94372	0/4458	4/121	0/0003
درآمد	2/0486	0/2801	2/822	0/0084
$a = 59/7703$ Sig F = 0/0001		$F = 24/4856$		$R = 0/84263$ $R^2 = 0/71002$

البته باید ذکر کرد که عدم ورود متغیرهای خارج از معادله به معنی کم اهمیت بودن آنها نمی باشد، بلکه بدلیل وجود همبستگی بین متغیرهای خارج از معادله با متغیرهای درون معادله صورت می گیرد. زیرا در روش مرحله به مرحله، هدف انتخاب بهترین متغیرها یا متغیر برای پیش بینی می باشد. جدول ۱۳، نشان دهنده عناصر متغیرهای خارج از معادله در مرحله سوم می باشد.

جدول ۱۳

عناصر متغیرهای خارج از معادله در مرحله سوم

نام متغیر	همبستگی جزئی	T	Sig T
سن	-۰/۱۴۰۹	-۰/۷۶۷	۰/۴۴۹۵
تفاوت سنی	-۰/۱۶۶۲	-۰/۹۰۸	۰/۳۷۱۵
تحصیلات	۰/۲۴۹۳	-۱/۳۸۷	۰/۱۷۶۱
تفاوت تحصیلی	۰/۸۱۰۷	۰/۱۲۲	۰/۹۰۴۱
منزلت شغلی	۰/۱۲۰۶	۰/۶۵۵	۰/۵۱۷۸
تفاوت منزلت شغلی	-۰/۰۰۸۷	-۰/۰۴۷	۰/۹۶۲۷
طبقه اجتماعی اقتصادی	-۰/۱۳۲۲	-۰/۷۱۹	۰/۴۷۷۸

۶. نتیجه گیری

موضوع این مطالعه بررسی نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه می‌باشد. این تحقیق در شهر شیراز در مورد ۷۰۰ نفر از مردان مجرد و متأهل انجام گرفته است. هدف این تحقیق مطالعه عوامل ذهنی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان است. در این مورد تلاش در جهت شناسایی طرز تفکر مردان و باور آنان نسبت به نقش زنان بطور کلی می‌باشد. این پژوهش به روش پیمایشی انجام گرفته و تأثیر عوامل ذهنی (ارزیابی فایده و انتظار فایده)، عوامل جمعیتی (سن، تفاوت سنی، بعد خانوار و وضعیت تأهل)، عوامل اجتماعی (منزلت شغلی، تفاوت منزلت شغلی، تحصیلات، تفاوت تحصیلات، طبقه اجتماعی) و عوامل اقتصادی (درآمد) بر روی نگرش مردان نسبت به نقش زنان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل دو متغیره حاکی از آن است که از متغیرهای مورد مطالعه، متغیرهای طبقه اجتماعی، منزلت شغلی، سطح تحصیلات، تفاوت تحصیلی، ارزیابی فایده و انتظار فایده با متغیر نگرش در سطح بیش از ۹۵ درصد دارای رابطه معنی‌دار هستند. در تحقیقی که بیری انجام داده متغیرهای سن، میزان تحصیلات با نگرش مردان دارای رابطه می‌باشد. اما تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نگرش مردان با سن از نظر آماری، دارای رابطه معنی‌داری نیست، اما با تحصیلات دارای رابطه می‌باشد. همچنین در مطالعه ای که مرکز تحقیقات افکار ملی آمریکا انجام داده، متغیرهایی همچون میزان درآمد و میزان تحصیلات در تبیین نگرش مردان نسبت به فعالیت زنان در امور سیاسی تأثیر داشته و دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد (باور، ۱۳۷۳). در تحقیق ما، میزان درآمد، سن، تفاوت منزلت شغلی و بعد خانوار دارای رابطه معنی‌داری با نگرش مردان نمی‌باشند.

نتایج حاصله از تحلیل چند متغیره که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره (بطریق مرحله به مرحله) انجام گرفته، نشان دهنده آن است که بیشترین همبستگی ($Beta = 0/4810$) به متغیر انتظار فایده، پس از آن به متغیر ارزیابی فایده ($Beta = 0/4458$)، و در نهایت به درآمد پاسخگویان ($Beta = 0/2801$) مربوط می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که انتظارات و ارزیابی‌هایی که مردان از نقش آفرینی زنان در جامعه در ذهنیت خود دارند، بیشترین تأثیر را در نگرش آنها نسبت به نقش زنان در جامعه دارد. ضمناً به نظر می‌رسد که این ذهنیت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و ساختهای کلان اجتماعی است، زیرا تأثیر متغیرهای اقتصادی همچون درآمد در تحلیل‌های دو متغیره معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین ذهنیت تحت تأثیر متغیرهای جمعیتی نیز نبوده زیرا متغیرهایی همچون سن دارای رابطه معنی‌داری با نگرش مردان نیست.

قدردانی

این مقاله حاصل یک طرح پژوهشی مصوب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس است که بدینوسیله از همکاری مسؤولین محترم آن اداره در تأمین هزینه‌های مالی این طرح سپاسگزاری به عمل می‌آید.

پیوست: فهرست و رتبه بندی مشاغل با توجه به منزلت اجتماعی آنان

شغل	رتبه ۱ بخشی
پزشک متخصص، استاد دانشگاه، ...	۹
فیزیکدان اتمی، وزیر، سفیر، پزشک عمومی، شیمیدان، دکترای داروساز، دندانپزشک، نماینده مجلس، استاندار، روانشناس، عالم علوم طبیعی، اقتصاددان و جامعه شناس	۸
شهردار شهرهای بزرگ، وکیل دادگستری، قاضی شهرستان، خلبان هواپیما، مهندس راه و ساختمان، سرلشکر، مهندس معمار، مهندس کشاورزی، مدیرکل، فرماندار و نویسنده کتاب	۷
سپه‌هنگ ارتش، دبیر دبیرستان، صاحب کارخانه با بیش از ۱۰۰ کارگر، سردبیر روزنامه، آموزگار دبستان، نقاش (هنرمند)، ناخدای کشتی، عضو هیئت مدیره شرکت بزرگ، رئیس شعبه بانک، روزنامه نگار، تاجر بازار، پرستار بیمارستان، سروان ارتش	۶
گوینده رادیو و تلویزیون، خبرنگار، میهماندار هواپیما، هنرپیشه سینما، صاحب و متصدی چاپخانه، حسابدار، واعظ دینی، کشاورز، صاحب زمین، کتابدار، نماینده بیمه، ترازنده ارکستر	۵
تراشکار، مقاطعه کار ساختمان، آواز خوان رادیو و تلویزیون، صاحب فروشگاه بزرگ، راننده قطار، مکانیک اتومبیل، کارمند عادی دولت، سرکارگر کارخانه، دامدار صاحب ۱۰۰ راس گوسفند، قالیباف، راننده اتوبوس، چوشکار، ماشین نویس، نجار، پاسبان، میل ساز، جالبزکار، لوله کش، بنا، آهنگر درب و پنجره ساز	۴
فروشنده فروشگاه، کارگر معدن، پستیچی، گروه‌بان، کارگر کارخانه، بقال، قصاب، راننده تاکسی، سلمانی، راننده تراکتور، کارگر ساده کشاورزی	۳
سماور ساز، کفاش، آشپزستوران، کارگر پمپ بنزین، سمسار، کارگر آجرپزی، دلال و معاملات ملکی، عمله ساختمان، چوپان، رفتگر، پیشخدمت اداره، نفت فروش، دستفروش و واکسی	۲
نوکر	۱

یادداشت ها

1. Sex-role Conditioning
2. Expressive
3. Self
4. George H.Mead
5. Generalized Other
6. Role Theory
7. Burges
8. Social Imagination
9. Super Personality
10. Prestige
11. Counter- Struggle
12. Expectation of an Outcome
13. Belief
14. Evaluation of Outcome
15. Survey
16. Pilot Study

۱۷. اگر چه در طیف لیکرت معمولاً طیف به ۳، ۵، یا ۷ قسمت تقسیم می‌گردد، اما در این تحقیق برای آنکه پاسخگویان به گویه‌ها نظرات موافق یا مخالف خود را ابراز نمایند، از ارائه گزینه بی‌نظر خودداری شد.

18. Correlation Coefficient
19. Dummy
20. Idea
21. NORC = National Opinion Research Center

منابع

الف. منابع فارسی

- ابوت، پاملا و کلروالاس. (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- باور، یوسف، (۱۳۷۳). "بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- دواس، دی، ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نیایی، تهران: نشرنی.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۲). سنجش نگرش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، جهاد سازندگی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- عفتی، محمد. (۱۳۷۳). موانع مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، مجله جهاد، شماره ۱۶۹، ۴۰-۳۴.
- کرلینجر، فردان و پدهازور، الازارجی. (۱۳۶۶). رگرسیون چند متغیره در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سرایی، جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- مشهور، حسین. (۱۳۵۵). بررسی جنبه‌هایی از اشتغال زن در خانواده‌های روستاهای اطراف تهران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲، ۲۵-۲۰.
- مقدس، علی اصغر. (۱۳۷۴). ساختار شفلی و تحرک اجتماعی در استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- موزر، کالتون. (۱۳۶۸). روش تحقیق، ترجمه کاظم ایزدی، تهران: انتشارات کیهان.
- میشل، آندره. (۱۳۵۴). جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- یزدانی، عنایت‌اله. (۱۳۷۵). نگرش اجتماعی زنان، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۲، ۸-۴.

ب: منابع انگلیسی

- Biri, El- Washshy, Brian F. Pendleton & Garland T-Neal. (1991). *An Analysis of the Corrlates of Men's Attitude Toward Women's Roles in Libya*, *International Journal of Sociology of the Family*, 21, Autumn, 129-144.
- Blaiure, Kere & Katherine R.Allen. (1995). *Feminist and the Ideology and Practice of Marital Equality*, *Journal of Marriage and Family*, 57, 5-19.
- Brayman, Allen & Gramer, Duncan. (1995). *Quantitative Data Analysis for Social Scientists*, N.Y.: Routledge.
- Collins, Randall. (1981). *On the Micro Foundations of Macrosociology*, *American Journal of Sociology*, 86, 5, 984-1014.
- Dresseler, David & M. Willis, Jr. (1976). *Sociology: The Study of Interaction*, New York: Alfred A. Knopy.

- Eshleman, J. Ross. (1988). **The Family**, Boston: Allyn and Bacon, Inc.
- Ewer, Phyllis A., Crimmins Eileen, & Oliver Richard. (1979). *An Analysis of Relationship Between Husband's, Income, Family Size and Wife's Employment in the Early Stages of Marriage*, **Journal of Marriage and the Family**, 44, 4.
- Heiss, Jerold. (1968). **Family Roles and Interaction: An Anthology**, Chicago: Rand McNally and Company.
- Nock, S. L. (1987). **Sociology of the Family**, New Jersey: Prentice Hall Inc.
- Ritzer, George. (1992). **Sociological Theory**, New York : McGraw-Hill, Inc.
- Sigelman, Peter. (1927). *Exchange as Symbolic Interaction: Convergences Between Two Theoretical Perspectives*, **American Sociological Review**, 37, 4, August, 414-424.
- Spitze, Glenna & John Huber. (1981). *Wives' Employment, Household Behaviours, and Sex Attitudes*, **Social Force**, 60, 1, September, 125-150.
- Spitze, Glenna & Linda T. Waite. (1981). *Wives Employment: The Role of Husband's Perceived Attitudes*, **Journal of Marriage and the Family**, February, 127-150.
- Turner, J.H. (1986). **The Structure of Sociological Theory**, Belmont California: Dorsey Press.
- Wallace, Ruth. A& Alison Wolf. (1991). **Contemporary Sociological Theory: Continuing the Classical Tradition**. New Jersey, Englewood Cliffs: Prentic - Hall, Inc.